

# بایسته مفسر در هندسه اندیشه امام خمینی

□ محمد اسماعیل زاده

نگاه نو حضرت امام خمینی به تفسیر قرآن کریم و تمسک به آیات قرآن از خصوصیات آن حکیم الهی بوده است و کشف و استکشاف نجوا و تکلم در فکر این عبد صالح خداوند بسی روشنگر و الهام بخش خواهد بود و با اطمینان از این غرض پرسود به نگاه دوباره به قرآن کریم می پردازیم.

پیش نیاز بررسی تفسیر امام خمینی نیازمند اموری است که در رأس آن تبیین رابطه امام خمینی و قرآن کریم است.

- ۱- ارتباط مستندات قرآنی در سیره و اندیشه امام خمینی.
  - ۲- بررسی اندیشه امام خمینی و قرآن کریم.
  - ۳- مستندات قرآنی در سیره و اندیشه امام خمینی در عرصه های مختلف چیست؟
  - ۴- اختصاصات حضرت امام خمینی در تمسک و برداشت از قرآن کریم کدامند؟
  - ۵- روش تفسیری حضرت امام خمینی چه روشی است؟
- فهرست موضوعات پیشنهادی و بستر ساز تفسیر قرآن کریم:  
بخش اول - مستندات قرآنی اندیشه کلامی حضرت امام

اصول پنج گانه توحید، رسالت، معاد، امامت و عدل.

بخش دوم - مستند قرآنی اندیشه عرفانی

مراحل سلوک

برداشت‌های عرفانی از قرآن

نقد عرفان و عرفا

مفاهیم و اصطلاحات عرفانی مبتنی بر تعالیم قرآن کریم در کلام حضرت امام

بخش سوم - مستند قرآنی اندیشه‌های اصولی و مبانی استنباط

منابع استنباط در احکام

قلمرو عقل، آرای عقل و عرف

نقش مصلحت

تعریف مصلحت

انواع مصلحت

مستند قرآنی اندیشه فقهی حضرت امام

مجموعه آرای فقهی مبتنی بر آیات قرآن در فتاوی حضرت امام

آیات الاحکام حضرت امام خمینی

اختصاصات حضرت امام در برداشت فقهی از آیات

نقد حضرت امام بر سایر برداشت‌های فقهی از آیات قرآنی

مستند قرآنی سیره و اندیشه امام خمینی در حوزه اخلاق

الف: مجموعه آیتاتی که حضرت امام در آموزه‌های اخلاقی استفاده کرده‌اند

ب: مجموعه آیات اخلاقی که در امام خمینی متجلی بوده است.

بخش چهارم - تجلی قرآن در اشعار امام خمینی

بخش پنجم - مستند سیره و اندیشه‌های اقتصادی حضرت امام

اصول دیدگاه‌های اقتصادی حضرت امام و مبانی قرآنی آن.

مجموعه تک نگاری‌ها:

- علوم قرآنی از نگاه حضرت امام
- قلمرو معارف در نگاه امام
- معجم لفظی مستندات قرآنی
- روش تفسیری حضرت امام
- تحقیق و تعلیق و بررسی آثار قرآنی حضرت امام
- مستندات وصیت نامه
- مستندات پیام‌های حج
- مستندات قرآنی پیام حضرت امام به گورباچف
- مستندات قرآنی در صحیفه امام
- شاگردان قرآنی امام
- رموز توفیق امام خمینی از زبان قرآن
- جایگاه مفسران قرآن کریم و قرآن پژوهی و فقه پژوهی امام
- کتاب‌شناسی برداشت امام خمینی از قرآن
- پاسخ‌های امام به شبهات قرآنی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشگاه علوم انسانی

### شیوه تفسیر

امام خمینی درباره تعریف تفسیر نوشته‌اند: معنی تفسیر کتاب آن است که شرح مقاصد آن کتاب را بنماید و نظر مهم به آن، بیان منظور صاحب کتاب باشد.<sup>۱</sup>

ایشان بعد از بیان تفسیر قرآن کریم الزامات را در تفسیر قرآن کریم بیان نموده‌اند:

۱- توجه به جایگاه رفیع قرآن کریم  
ایشان درباره قرآن کریم می‌فرماید:



□ پس از پیامبر(ص)، اهل بیت(ع) به نصّ حدیث ثقلین جایگزین آن حضرتند. از این رو آثار گرانبهای این برگزیدگان برای همیشه رهگشای مشکلات قرآنی بشمار می‌رود

قرآن سرّ است. سرّ سرّ است... باید تنزل کند، بیاید پایین تا این که برسد به این مراتب نازل... تا برسد به آن جایی که دیگران هم بفهمند.<sup>۲</sup>

## ۲- توجه به تفسیر آیات مشکله و تأویل متشابهات

خداوند آیات قرآن را به دو بخش تقسیم فرموده است: محکمات و متشابهات. آیات محکمه، رسا، روشن و خلل ناپذیر هستند. این بخش، قسمت اعظم قرآن و مرجعیت قرآن را به طور اصولی و جامع تشکیل می‌دهند. بخش دیگر، متشابهات است که هاله‌ای از ابهام و اجمال آن‌ها را فرا گرفته است. آیات محکم، از این جهت که بخش اعظم قرآن را تشکیل می‌دهند، با عنوان ام‌الکتاب معرفی شده‌اند؛ یعنی مرجعیت قرآن در گرو همین آیات است و این نشاید جز آن که اکثریت قاطع آیات قرآنی واجد این صفت باشند.

قرآن، بر افاده این گونه معانی گسترده، به ناچار به استعاره و کنایه روی آورده است که برای همگان و به شیوه متعارف، جز با اندیشیدن عمیق قابل درک نیست.

البته هر آیه مبهم قرآن با مراجعه به آیات دیگر آن روشن می‌شود و طبق فرموده حضرت امیر مؤمنان علی(ع): «القرآن ينطق بعضه ببعض ويشهد بعضه على بعض.» و در مرحله بعدی پیامبر اکرم(ص) در کنار قرآن و به عنوان مفسر و بیانگر معانی عالیه قرآن است؛ تا هر گونه ابهام و اشکال را از چهره ملکوتی قرآن بزدايد:

«وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»<sup>۳</sup>؛ ما قرآن را بر تو فرستادیم

تا آن را برای مردم تبیین کنی و هر گونه ابهامی را از چهره آن بزدایی. باشد تا خود بیندیشند و در آن تدبر کنند و پند بیاموزند.

پس از پیامبر، اهل بیت (علیهم السلام) به نصّ حدیث ثقلین جایگزین آن حضرتند. از این رو آثار گران‌بهای این برگزیدگان برای همیشه ره گشای مشکلات قرآنی به شمار می‌رود. به عنوان نمونه در سوره مبارکه حمد، آیه «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» دارای ابهام است.

از دیدگاه علامه طباطبائی مراد از صراط مستقیم، عبودیت خالص و ایمان صادق است؛ راهی که بندگان خالص رفته‌اند که آن جز با اطاعت کامل از خدا و رسول خدا حاصل نمی‌شود. «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا»<sup>۴</sup>.

این معنا، از وصفی که در ذیل آیه مبارکه «صراط‌الذین انعمت علیهم...» آمده است، بدست می‌آید.<sup>۵</sup>

در برخی روایات صراط مستقیم به «دین‌الله لا عوج له» [شریعت الهی که در آن کجی راه ندارد] تفسیر شده است.<sup>۶</sup>

و به نقل از ابن عباس، با در نظر گرفتن آیه «قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا»،<sup>۷</sup> از ابن مسعود به کتاب‌الله، تفسیر شده است. در روایت دیگری به شخص رسول خدا (ص) تفسیر شده است؛ بدین معنا که صراط مستقیم راهی است که قرآن و پیامبر (ص) نشان می‌دهد.

در تفاسیر روایی شیعه الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ به «الطريق الى معرفة الامام» تفسیر شده است. ولی تمام معانی از قبیل تطبیق بر اتم مصادیق است به تفسیر قرآن کریم.

حضرت امام خمینی در این زمینه می‌فرماید:

«بدان ای عزیز که چون در سوره شریفه حمد اشاره به کیفیت سلوک ارباب معرفت و ارتیاض است و تا «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» تمام کیفیت سلوک من الخلق الى الحق است... در نور حق خلق را مشاهده می‌کند؛ و از این جهت «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» گوید به تقدیم ضمیر «ایا» و «کاف» خطاب بر ذات خود و عبادت خود. و چون این حال را ممکن است ثباتی نباشد و لغزش در این مقام نیز متصور است،

ثبات و لزوم خود را از حق تعالی طلب کند به قوله اهدنا آی الزمنا چنانچه تفسیر شده است.<sup>۸</sup>

### ۳- طهارت باطنی

سومین بایسته مفسر قرآن کریم، طهارت باطنی است، که در هندسه اندیشه ایشان از شرط‌های اصلی و اساسی برای فهم و تفسیر قرآن به شمار می‌رود و در سخن آن بزرگوار مورد تأکید بسیار قرار گرفته است. به عقیده ایشان مفسر هنگامی به فهم ذکر معانی و معارف بلند مرتبه قرآن نایل می‌گردد که محبت دنیا را از قلب خود بیرون کند و دوری از معصیت را پیشه خود سازد.

«مادامی که انسان در حجاب خود هست، نمی‌تواند این قرآن را که نور است و به حسب فرمایش خود قرآن نور است. نور را کسانی که در حجاب هستند و پشت حجاب‌های زیاد هستند، نمی‌توانند ادراک کنند. گمان می‌کنند که می‌توانند لکن نمی‌توانند. تا انسان از حجاب بسیار ظلمانی خود خارج نشود تا گرفتار هواهای نفسانی است، تا گرفتار خودبینی‌هاست تا گرفتار چیزهایی است که در باطن نفس خود ایجاد کرده است، از ظلماتی که «بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ» است، لیاقت پیدا نمی‌کند که این نور الهی در قلب او منعکس بشود. کسانی که بخواهند قرآن را بفهمند و محتوای قرآن را، نه صورت نازل کوچکش را، محتوای قرآن را بفهمند و طوری باشد که هر چه قرائت کنند بالا بروند و هر چه قرائت کنند، به مبدأ نور و مبدأ اعلیٰ نزدیک شوند. این نمی‌شود الا اینکه حجاب‌ها برداشته بشود.»<sup>۹</sup>

### ۴- قواعد تفسیری

چهارمین بایسته مفسر در دیدگاه امام خمینی توجه به قواعد تفسیری است. از آن جا که قرآن به زبان عربی نازل شده است و بر اساس اصول عقلایی محاوره سخن گفته است، در تبیین و تفسیر مفاد آن باید بر طبق قواعد زبان و اصول عقلایی محاوره مانند: اصالة الظهور و اصالة الحقیقه عمل کرد. این امر روشن‌تر از آن است که کسی در آن تشکیک کند یا آن را قبول نداشته باشد. حضرت امام نیز این فرآیند را مورد تأیید قرار داده است و در مباحث اصول، مسأله حجیت ظهور به آن پرداخته است.<sup>۱۰</sup> لکن از منظر امام خمینی اکتفا به مباحث صرف و نحو و جهات ادبی

کلام وحی، برای فهم و تفسیر آن کفایت نمی‌کند و مفسر را از رسیدن به ژرفای دریای معارف قرآن باز می‌دارد. ایشان در این باره می‌فرماید:

«مثل یک طایفه از علمای تفسیر قرآن که استفادت از قرآن را منحصر به ضبط و جمع اختلاف قرائات و معانی لغات و تصاریف کلمات و محسنات لفظیه و معنویه و وجوه اعجاز قرآن و معانی عرفیه و اختلاف افهام ناس در آن‌ها دانند و از دعوات قرآن و جهات روحیه و معارف الهیه آن به کلی غافلند. اینان نیز به مریضی مانند که رجوع به طیب نموده نسخه او را گرفته و معالجه خود را به ضبط نسخه و حفظ آن و کیفیت ترکیبات آن دانند. اینان را مرض خواهد کشت.»<sup>۱۱</sup>

ایشان در جای دیگر می‌فرماید:

«گمان نشود که آیات توحید را چه در سوره مبارکه توحید و چه در این آیات شریفه و چه در آیات دیگر قرآن و همین طور اخبار شریفه و خطب و ادعیه و مناجات‌های ائمه علیهم السلام که تمام مشحون از معارف است، انسان می‌تواند به فکر خود و ظهور عرفی آن‌ها بفهمد. این خیالی است بس خام و وسواسی است شیطانی.»<sup>۱۲</sup>

از تأمل در این سخنان چنین بر می‌آید که از نگاه ایشان قرآن دارای مراتب و سطوح مختلف معارضی است. برخی از این سطوح را می‌توان با ظهور عرفی و با کمک قواعد زبانی تبیین و تفسیر کرد. اما برخی دیگر را نمی‌توان به مدد دلالت لفظی و ظهور عرفی توضیح داد. و برای فهم تفسیر آن‌ها باید از ابزارهای دیگری مدد گرفت که آن ابزارها ریشه در زبان و قواعد ادب عربی ندارند، بلکه ریشه در سیر و سلوک معنوی مفسر دارند. سیوطی از این ابزارها به علم موهبت تعبیر می‌کند؛ و این علم را علمی اشراقی و اعطایی معرفی می‌کند که از طرف خداوند به عالم با عمل افاضه می‌گردد.<sup>۱۳</sup>

چنان که گذشت حضرت امام خمینی شرط اساسی فهم و تفسیر قرآن را پاکی درون و دوری از آلودگی‌های گناهان و اجتناب از دوستی دنیا و سایر اوصاف مزبور می‌داند و بر این امر تأکید بسیار دارد و معتقد است که مفسر برای توفیق در کار خویش باید حتما سیر و سلوک داشته باشد.



## ۵- هدف‌گرایی در تفسیر

پنجمین بایسته تفسیر قرآن کریم این است که مفسر باید هدف‌گرا باشد. از نگاه امام خمینی در تفسیر باید به هدف و غرض متکلم توجه شود، و در تفسیر کتاب خدا، باید هدف و مقصد خداوند از قرآن کریم مد نظر باشد و باید بر مدار آن هدف جریان یابد. چنانچه این‌گونه نباشد می‌توان گفت اصلاً تفسیر نیست:

«به طور کلی، معنی تفسیر کتاب آن است که شرح مقاصد آن کتاب را بنماید و نظر مهم به آن، بیان منظور صاحب کتاب باشد. این کتاب شریف که به شهادت خدای تعالی کتاب هدایت و تعلیم است و نور طریق سلوک انسانیت است، باید مفسّر در هر قصه از قصص آن، بلکه هر آیه از آیات آن، جهت اهداء به عالم غیب و حیث راهنمایی به طرق سعادت و سلوک طریق معرفت و انسانیت را به متعلم بفهماند. مفسّر وقتی مقصد از نزول را به ما فهماند مفسّر است، نه سبب نزول به آن طور که در تفاسیر وارد است.»<sup>۱۴</sup>



این مطلب مورد تأکید ایشان در فرآیند تفسیر نقش محوری دارد؛ زیرا در فهم و تفسیر سخن باید همّت اصلی بر کشف مراد و منظور متکلم باشد. ممکن است بر سخن کسی لوازم و مسائلی مرتب باشد اما مورد و نظر او نباشد، لذا همّ اساسی در تبیین و تفسیر قرآن باید ناظر به اهداف و مقاصد قرآن باشد.

امام خمینی مقصد اصلی قرآن را دعوت به توحید و معرفت خداوند و اخلاق پسندیده می‌داند از این رو معتقد است که کتاب تفسیر باید عرفانی و اخلاقی باشد:

«بالجمله کتاب خدا کتاب معرفت و اخلاق و دعوت به سعادت و کمال است، کتاب تفسیر نیز باید کتاب عرفانی - اخلاقی و مبین جهات عرفانی و اخلاقی و دیگر جهات دعوت به سعادت آن باشد. مفسری که از این جهت غفلت کرده یا صرف نظر نموده یا اهمیت به آن نداده، از مقصود قرآن و منظور اصلی انزال کتب و ارسال رُسل غفلت ورزیده، و این یک خطایی است که قرن‌هاست این ملت را از استفاده از قرآن شریف محروم نموده و راه هدایت را به روی مردم مسدود کرده.»<sup>۱۵</sup>

## ۶- توجه مفسر به جامعیت قرآن کریم

در مباحث گذشته بیان شد که حضرت امام معتقدند که قرآن دارای سطوح مختلف و متعدد معارف است. بعضی از آیات آن برای عمل است و فهم آن آسان و برخی دیگر از آیات آن ظرایف و دقایق توحید را بیان می‌کند.

برخی از آیات برای تنظیم امور دنیا و معاملات و ارتباط مردم با یکدیگر است و بعضی دیگر به بیان معارف الهی و بیان احوال قیامت و معاد و نشر و حساب می‌پردازد؛ لذا شایسته است که شأن تک تک آیات را رعایت کرده و همان‌گونه که خود قرآن جامع همه مسائل مورد نیاز انسان است، تفسیر نیز این‌گونه باشد. تلاش مفسر باید بر این باشد که کتاب خدا را تفسیر کند نه این که نظریات خود را بر قرآن تحمیل نماید و جامع‌نگری را فراموش کند و به یک‌سونگری و انحراف از معارف قرآن دچار گردد.

یک‌سونگری یعنی این که تمام آیات را به مسائل این دنیایی تأویل برد؛ چنان که گویا این

□ به عقیده امام خمینی، مفسر هنگامی به فهم ذکر معانی و معارف بلندمرتبه قرآن نایل می‌گردد که محبت دنیا را از قلب خود بیرون کند و دوری از معصیت را پیشه خود سازد

کتاب این دنیا است و بس و در مورد آخرت هیچ نگفته است؛ یا این که تمام آیات را، حتی آیاتی که درباره دنیا است، به معنویت فردی و مسائل عرفانی معنا کند چنان که گویی این کتاب از این امور این دنیا غفلت ورزیده و هیچ برنامه‌ای برای حیات مادی و دنیای انسان ندارد. امام خمینی مفسر را به جامع‌نگری دعوت می‌کند و از یک‌سونگری با تأسف یاد کرده و در این باره می‌فرماید:

«مع الاسف ما در دو زمان مبتلای به دو طایفه بودیم. در یک زمان ما مبتلا بودیم به یک جمعیتی که قرآن را وقتی که نگاه می‌کردند و تفسیر می‌کردند و تأویل می‌کردند، اصلاً راجع به آن جهت بُعد مادیش، بعد دنیابیش توجه نداشتند. تمام را بر می‌گرداندند به یک معنویاتی. حتی قتال وقتی که در قرآن واقع شده بود اینها قتال با مشرکین را تأویل به قتال با نفس می‌کردند. چیزهایی که مربوط به زندگی دنیایی بود، تأویل می‌کردند به یک معنویات. اینها یک بعد از قرآن را ادراک کرده بودند و آن بعد معنویش، البته به طریق ناقص... همه جهات را به همان بعد برمی‌گرداندند و ما بعدها مبتلا شدیم یک عکس‌العملی در مقابل آن که فعلاً الآن هست و از مدتی پیش این معنا تحقق پیدا کرده که در مقابل آن طایفه‌ای که قرآن را و احادیث را تأویل می‌کردند به ماورای طبیعت و به این زندگی دنیا اصلاً توجه نداشتند، به حکومت اسلامی توجه نداشتند... این طایفه دوم عکس کردند، معنویات را فدای مادیات کردند، آن‌ها مادیات را فدای معنویات کرده بودند و این‌ها معنویات را فدای مادیات کردند.»

هر آیه‌ای که دستشان می‌رسد و بتوانند، تأویل می‌کنند به یک امر دنیایی... کأنه در نظرشان ماورای عالم غیب چیزی نبود. آن‌ها در یک حدودی که خودشان داشتند درست بود حرفشان این‌ها اعتقادشان این است یا مسائلی که طرح می‌کنند این است که ماورای این عالم خبری نیست، همه مسائل را فدای همین عالم می‌کنند.<sup>۱۶</sup>

## ۷- عدم الزام به تفسیر به رأی

احادیث متعددی از رسول خدا(ص) و ائمه معصوم(علیهم السلام) وارد شده است که تفسیر به رأی را نکوهش کرده و دیگران را نهی فرموده است.<sup>۱۷</sup> اعتبار و سندیت این روایات به گونه‌ای است که می‌توانیم ادعا کنیم دارای تواتر اجمالی‌اند. این روایات به گونه‌ای مورد اهتمام و اتفاق تمام علمای اسلام است ولی در معنای تفسیر به رأی اختلاف شده است، حتی برخی با استناد به روایات نهی از تفسیر به رأی، به عدم جواز مطلق تفسیر قائل شده‌اند.

فیض کاشانی درباره تفسیر رأی بر این باور است که معنای آن یکی از دو امر است:

۱- مفسّر در مسأله‌ای عقیده و نظری داشته و قرآن را بر طبق رأی و نظر خود تفسیر کند تا رأی و نظر خود را صحیح جلوه دهد.

۲- در تفسیر عجله کند و هر آنچه را ظاهر قرآن است به عنوان مقصود اصلی و معنای آن بیان کند، بی آن که به دیگر آیات قرآنی و احادیث وارد شده از پیامبر خدا توجه نماید.<sup>۱۸</sup>

علامه طباطبائی در معنای تفسیر رأی عقیده دارد که مفسّر در تفسیر قرآن مستقل باشد و بر نظر و رأی خودش اعتماد و اکتفا کند و به دیگر آیات قرآن مراجعه نکند. به باور ایشان نهی از تفسیر به رأی در حقیقت خودش به طریق فهم و تفسیر بر می‌گردد و این که در بعضی روایات داریم که در اثر تفسیر به رأی به حق و حقیقت نیز برسد باز خطا کرده است، معنای صحیحی ندارد، مگر این که بگوییم خطا، در طریق رسیدن به مراد واقعی خداوند رخ داده است.<sup>۱۹</sup>

ابن نقیب برای تفسیر به رأی چندین معنا ذکر کرده است که عبارتند از:

۱- این که مفسّر بدون حصول علوم پیش نیاز تفسیر به این امر مبادرت کند؛

۲- تفسیر آیات متشابه که فقط خداوند به آن‌ها علم دارد؛

۳- این که مفسر رأی و نظر را اصل قرار دهد و آیات قرآن را به گونه‌ای معنا کند که نظر

خود را صحیح و مطابق آن‌ها جلوه دهد؛

۴- قاطعانه بگوید مراد واقعی خداوند این است، در حالی که بر سخن خود عرضه نکند.

۵- با تکیه بر هواهای نفسانی و استحسانات عقلی به تفسیر پردازد.<sup>۲۰</sup>

□ امام خمینی معتقد است که مفسر برای توفیق در کار خویش باید حتماً سیر و سلوک داشته باشد

به عقیده حضرت امام: «از چیزهایی که ممنوع است در اسلام تفسیر به رأی است».<sup>۲۱</sup>  
ایشان می‌فرماید:

«تفکر و تدبّر در آیات شریفه را به تفسیر به رأی، که ممنوع است، اشتباه نموده‌اند، و به واسطه این رأی فاسد و عقیده باطله، قرآن شریف را از جمیع فنون استفاده عاری نموده و آن را به کلی مهجور نموده‌اند، در صورتی که استفادات اخلاقی و ایمانی و عرفانی به هیچ وجه مربوط به تفسیر نیست تا تفسیر به رأی باشد».<sup>۲۲</sup>  
ایشان در ادامه می‌گویند:

«در تفسیر به رأی نیز کلامی است، که شاید آن غیر مربوط به آیات معارف و علوم عقلیه که موافق موازین برهانیه است و آیات اخلاقیه که عقل را در آن مدخلیت است باشد، زیرا که این تفاسیر مطابق با برهان متین عقلی یا اعتبارات واضحه عقلیه است که اگر ظاهری بر خلاف آن‌ها باشد لازم است آن را از آن ظاهر مصروف نمود. مثلاً در کریمه شریفه و «جاء رَبُّكَ»،<sup>۲۳</sup> و «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى»<sup>۲۴</sup> که فهم عرفی مخالف با برهان است. ردّ این ظاهر و تفسیر مطابق با برهان تفسیر به رأی نیست و به هیچ وجه ممنوع نخواهد بود.

پس محتمل است بلکه مظنون است که تفسیر به رأی راجع به آیات احکام باشد که دست آراء و عقول از آن کوتاه است و به صرف تعبد و انقیاد از خزّان وحی و مهابط ملائکه الله باید اخذ کرد؛ چنانچه اکثر روایات شریفه در این باب در مقابل فقهاء عامّه که دین خدا را با عقول خود و مقایسات می‌خواستند بفهمند وارد شده است و این که در بعضی روایات شریفه است که: «لیس شیء أبعد من عقول الرجال من تفسیر القرآن» و همچنین روایت شریفه که می‌فرماید: «دین الله لا یصاب بالعقول»، شهادت دهد بر این که مقصود از دین الله احکام تعبدیه دین است و الآب اثبات صانع و توحید و تقدیس و اثبات معاد و نبوت، بلکه مطلق معارف حق طلق عقول و از مختصات آن است».<sup>۲۵</sup>

## منابع و مأخذ

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

خمینی، روح الله، [امام] آداب الصلوة، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۰ ش.

بلاغی، محمد جواد، آلاء الرحمن، چاپ قم، مؤسسه بعثت ۱۴۲۰ هـ.ق.

سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، چاپ سوم، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۱۶ هـ.ق.

جعفریان، رسول، افسانه تحریف قرآن، ترجمه محمد شریفی، چاپ اول، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۷ ش.

خمینی، روح الله انوار الهدایه، چاپ اول، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۵ ش.

مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ هـ.ق.

زرکشئی، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ هـ.ق.

خویی، ابوالقاسم، بیان، ترجمه محمد صادق نجمی و هاشم هریسی، چاپ اول، تهران انتشارات مرتضوی، ۱۳۵۴.

جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، چاپ اول، نشر اسراء، ۱۳۷۸.

عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۱.ق.

خمینی، روح الله، تفسیر سوره حمد، چاپ اول، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۵.

فیض کاشانی، تفسیر صافی، بیروت، مؤسسه الاعلمی.

معرفت، محمد هادی، التفسیر و المفسرون، چاپ اول، نشر اسلامی، ۱۴۱۳.

شرح چهل حدیث، امام خمینی، چاپ اول، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۱ ش.

روش شناسی تفسیر، (جزوه)، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

صحیفه امام، امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۹.

طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم، عروة الوثقی، چاپ دوم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۷۰ ش.

قرآن کتاب هدایت، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۷۸ ش.

فیض کاشانی، محسن، المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، چاپ سوم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ هـ.ق.

طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی.

شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۱ هـ.ق.

زین العابدین، عبد السلام، امام خمینی و تفسیر هدف‌گرا، ترجمه حیدر علوی نژاد، مجله پژوهش‌های قرآنی، ۱۹-۲۰، ۱۳۷۸.

نصیری، علی، جستاری در قرآن پژوهی امام، مجله بینات، ۲ و ۳، دوره ششم، ۱۳۷۸ ش.

سبحانی، جعفر، جلوه‌های قرآن در بینش امام، مجله بینات ۲ و ۳، دوره ششم، ۱۳۷۸ ش.

انصاری قمی، ناصر الدین، دفاع امام از صیانت قرآن، مجله بینات، ۳ و ۲، دوره ششم، ۱۳۷۸ ش.

سید علوی، سید ابراهیم، روشنگری امام خمینی، مجله بینات ۳ و ۲، دوره ششم، ۱۳۷۸ ش.

بهرامی، محمد، علوم قرآنی از دیدگاه امام خمینی، مجله پژوهش‌های قرآنی ۱۹-۲۰، ۱۳۷۸ ش.

کلانتری، ابراهیم، فهم صحیح قرآن از منظر امام، مجله بینات ۳ و ۲، دوره ششم، ۱۳۷۸ ش.

## پي نوشتها:

۱. آداب الصلوٰۃ، ص ۱۹۲.
۲. تفسير سورة حمد، ص ۱۶۲.
۳. نحل ۱۶: ۴۴.
۴. نساء ۴: ۶۹.
۵. مجمع البيان، ج ۱، ص ۲۷ - ۲۸.
۶. الدر المنثور، ج ۱، ص ۳۸.
۷. انعام ۶: ۱۶۱.
۸. تفسير سورة حمد، ص ۶۹ - ۷۰.
۹. صحيفه امام، ج ۱۴، ص ۳۸۸ - ۳۸۹.
۱۰. انوار الهدايه، ج ۱، ص ۲۳۹ - ۲۴۷.
۱۱. آداب الصلاۃ، ص ۱۷۱.
۱۲. شرح چهل حديث، ص ۶۵۹ - ۶۶۰.
۱۳. الاتقان، ج ۲، ص ۱۲۱۲.
۱۴. آداب الصلوٰۃ، ص ۱۹۲ - ۱۹۳.
۱۵. همان، ص ۱۹۳.
۱۶. صحيفه امام، ج ۱۱، ص ۲۱۶ - ۲۱۷.
۱۷. بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۱۰۷ - ۱۱۲.
۱۸. تفسير الصافي، ج ۱، ص ۳۵ - ۳۹.
۱۹. الميزان في تفسير القرآن، ج ۳، ص ۷۵ - ۷۷.
۲۰. همان.
۲۱. تفسير سورة حمد، ص ۹۳.
۲۲. آداب الصلوٰۃ، ص ۱۹۹.
۲۳. فجر ۸۹: ۲۲.
۲۴. طه ۲۰: ۵.
۲۵. آداب الصلوٰۃ، ص ۲۰۰.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی